Archive of SID

Bi-quarterly Journal of Political Knowledge, Research Article
Vol.15, No.2, (Serial 30), Autumn 2019 & winter 2020

Study of citizenship education in political discourses after the Islamic Revolution of Iran
(Case-study: Justice discourse and Moderation discourse)

Sajad Babakhani[*]
Akbar Salehi[**]
Yahya Ghaedi[***]
Sousan Keshavarz[****]

Received: 2019/05/25
Accepted: 2019/10/06

During Islamic Revolution in Iran, various discourses have been emerged and each discourse has provided specific goals and programs in the field of citizenship education. Present article aims to analyze citizenship education position in Justice and moderation discourses. The research community includes documents related to citizenship education in both discourses. The result shows that for the education of citizenship, from the perspective of the Justice discourse, the observance of socio-economic, and in terms of moderation discourse, observance of political and civil rights, constitute the most important demands of citizens. The texts examined in both discourses do not pay much attention to the role of citizens in the process of meeting the rights, but their focus is on the government's responsibility to realize the rights and the grounds for achieving citizenship education. Citizen represented in these two discourses is a single-dimensional inventory That would bring about rapid and unbalanced progress in one of the dimensions of citizenship. In most cases, the documents examined follow a single-discourse pattern and are not interested in using elements of competing discourses.

Keywords: Citizenship Education, Islamic Revolution, I.R. Iran, Justice oriented Discourse, Moderation discourse,.

---

* Ph.D Student in Philosophy of Education at Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author). babakhani638@gmail.com
** Assistant Professor of Philosophy of Education at Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran. salehihidji2@yahoo.com
*** Associate Professor of Philosophy of Education at Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran. yahyaghaedi@yahoo.com
**** Assistant Professor of Philosophy of Education at Kharazmi University, Tehran, I.R.Iran. ss.keshavarz@yahoo.com

www.SID.ir

دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص. ۳۴۷-۳۶۸

جایگاه تربیت شهروندی در گفتمان‌های سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ایران: مطالعه موردی گفتمان‌های عدالت‌محوری و اعتدال

نوع مقاله: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴
مقاله برای بازنگری به مدت ۲۱روز نزد نویسندگان بوده است.

سجاد باباخانی *
اکبر صالحی **
یحیی قائدی ***
سوسن کشاورز ****

چکیده

بعد از انقلاب اسلامی در ایران گفتمان‌های مختلفی ظهور یافته و هر یک اهداف و برنامه‌های خاصی در زمینه تربیت شهروندی ارائه نموده‌اند. مقاله حاضر، با هدف تحلیل انتقادی جایگاه تربیت شهروندی در گفتمان‌های عدالت‌محوری و اعتدال تدوین شده است. جامعه پژوهش شامل اسناد مرتبط با تربیت شهروندی در هر دو گفتمان می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که در گفتمان عدالت‌محوری، جنبه اجتماعی و اقتصادی تربیت شهروندی و در گفتمان اعتدال، جنبه‌های سیاسی و مدنی از اولویت برخوردارند. این امر موجب می‌شود در هر دو گفتمان تمام ابعاد تربیت شهروندی در نظر گرفته نشود و شهروند بازنمود شده در این دو گفتمان، موجودی تک‌بُعدی باشد که پیشرفت سریع و نامتعادلی را در یکی از ابعاد تربیت شهروندی داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت این امر مانع جدی در جهت دستیابی به تربیت شهروندی مطلوب می‌باشد. از طرفی هر دو گفتمان در فرایند تربیت شهروندی بیشتر بر نقش دولت و سازمان‌ها و نهادهای حکومتی تأکید دارند تا بر نقش فعال شهروندان و برای تحقق بخشیدن به زمینه‌های دستیابی به تربیت شهروندی از الگوی تک‌گفتمانی پیروی می‌کنند و علاقه‌ای به استفاده از عناصر گفتمان‌های رقیب ندارند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ایران، تربیت شهروندی، گفتمان اعتدال، گفتمان عدالت‌محوری.

* دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول). babakhani638@gmail.com

** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. salehihidji2@yahoo.com

*** دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. yahyaghaedi@yahoo.com

**** استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. ss.keshavarz@yahoo.com

www.SID.ir

مقدمه

بیان مسئله: بررسی‌های موردی و مطالعات نظری دلالت بر آن دارد که پایداری نظام‌های سیاسی در چشم‌اندازهای کلان تاریخی بدون توجه به موضوع مهم «تربیت» اصولاً میسر نیست. برای همین است که مقوله تربیت از ابتدا به عنوان مبنا و زمینه اصلی علم سیاست مطرح بوده است. دغدغه اصلی پژوهش حاضر ناظر بر مقوله تربیت و تبیین جایگاه آن در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

اهمیت: اگرچه ورود به موضوع «تربیت» و نسبت آن با سیاست، دارای ماهیتی نظری بوده و عموماً در ذیل مباحث فلسفه سیاسی به آن پرداخته می‌شود؛ اما نباید اهمیت پژوهش حاضر را صرفاً فلسفی دانست. به عبارت دیگر، نتایج این پژوهش دارای اهمیت کاربردی بوده و در مدیریت سیاسی کشور می‌تواند مورد توجه باشد.

ضرورت: عدم توجه کافی به مقوله «تربیت» دو آفت جدّی را در پی دارد: نخست آنکه به بروز انحراف در نظریه سیاست منجر شده و آن را تحت تأثیر مفاهیمی چون منفعت و یا قدرت‌طلبی می‌سازد. دوم آنکه عمل سیاسی را تضعیف نموده و از طریق ایجاد کژکاری در آن، زمینه زوال نظام سیاسی را فراهم می‌سازد. بنابراین موضوع حاضر دارای ضرورت کاربردی ـ نظری است.

اهداف: هدف اصلی پژوهش حاضر کمک به ارتقای الگوی تربیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است. برای این منظور آسیب‌شناسی دو گفتمان اخیر در سیاست و حکومت ایران، به عنوان هدف فرعی انتخاب شده است.

سؤال‌ها: پرسش از جایگاه تربیت سیاسی در دو گفتمان عدالت‌محور و اعتدال، سؤال اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد که با دو سؤال دیگر (یعنی چیستی هر دو گفتمان و آسیب‌های گفتمان‌های مزبور در ارتباط با تربیت سیاسی) به عنوان سؤال‌های فرعی، پشیبانی می‌شود.

۱. پیشینه مطالعاتی

با مرور سوابق پژوهش‌های انجام گرفته درباره موضوع این تحقیق، برخی پژوهش‌ها به طور غیرمستقیم با موضوع این پژوهش مرتبط بوده‌اند. می‌توان نتایج یافته‌های پژوهش‌های انجام شده در راستای موضوع مقاله مذبور را به طور کلی در سه گروه به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

www.SID.ir

۱-۱. پژوهش‌هایی که به تحلیل گفتمان‌های سیاسی پرداخته‌اند.

جهانگیری و فتاحی (۱۳۹۰) با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان ارائه شده توسط محمود احمدی‌نژاد را تحلیل نمودند. نتایج این پژوهش نشان داد دال برتری که به این گفتمان انسجام بخشیده و سایر دال‌ها را حول خود مفصل‌بندی کرده مدیریت مردمی است. نکته قابل تأمل در یافته‌های این تحقیق تأکید بر حضور مردم در فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین اهمیت قائل شدن برای تربیت شهروند مشارکتی می‌باشد. ربانی خوارسگانی و میرزایی (۱۳۹٤) با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی موضوع پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد در این دوره از رقابت‌ها، گفتمان اصول‌گرایی توانایی منحصر به فردی را از خود در قطبی کردن جامعه به نمایش گذاشت که در نهایت همراه تازه‌سازی ارکان مفصل‌بندی گفتمانش توانست هژمونیک شود. تحلیل متون نشان داد گفتمان اصلاحات در انتخاب دهم دچار تصلب معنایی و شکلی است؛ به این معنا که در این دوره مفصل‌بندی پیشین خود را تکرار کرده بود که به دلیل انطباق نیافتن بر نظام دانایی حاکم بر جامعه و عدم آگاهی دقیق از وضعیت سیاسی کشور و رقیب نتوانست بر ایستارهای جامعه وقوف و سیطره یابد. نتایج این پژوهش گواه شرایط متفاوت تفکرات سیاسی جامعه در مقاطع مختلف زمانی می‌باشد.

۱-۲. پژوهش‌هایی که به موضوع تربیت شهروندی اختصاص دارند.

حسینی پاکدهی و زردار (۱۳۹۰) به بررسی چگونگی تفاوت در نحوه بازنمایی مفهوم شهروندی در روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که از دید روزنامه‌های اصلاح‌طلب، حقوق سیاسی و آزادی بیان و انتخابات آزاد، مهمترین حقوق شهروندان به شمار می‌روند و از نظر روزنامه‌های اصولگرا، حقوق اقتصادی شامل رفاه، معیشت و اقتصاد، مهمترین مطالبات شهروندان را تشکیل می‌دهند. نتایج این پژوهش حاکی از نگرش متفاوت دو جناح سیاسی اصلی کشور در خصوص مطالبات شهروندان می‌باشد.

۱-۳. پژوهش‌هایی که به چگونگی اجرای تربیت شهروندی پرداخته‌اند.

کولادو و آخورا (Collado and Atxurra, 2006) در تحقیقی در خصوص ایدئال‌های مدنظر اتحادیه اروپا در مورد تربیت شهروندی، به این نتیجه دست یافتند که ایدئال‌های

www.SID.ir

مدنظر اتحادیه اروپا پیرامون تربیت شهروندی به صورت نامتوازن و در برخی موارد بسیار سطحی، در اسناد مورد بررسی، مطرح شده است. از یافته‌های این پژوهش می‌توان به ضرورت توجه متوازن به هر یک از مؤلفه‌های تربیت شهروندی در راستای دستیابی به شهروندان دموکراتیک پی برد. اختر (Akhtar, 2008) به مرور آموزش شهروندی در اسکاتلند می‌پردازد که در مدارس، کلاس درس و جامعه در متن برنامه درسی جدید اجرا و تمرین می‌شود. او معتقد است که افکار معلمان باید تغییر یابد و تئوری‌های زیربنایی جدید به عنوان خطوط راهنمای کلی مورد توجه قرار گیرد. نکته قابل تأمل در یافته‌های این تحقیق تأکید بر تغییر و تحول اساسی در راهبردهای تربیت شهروندی افراد جامعه می‌باشد. پژوهشی مشابه در آمریکا انجام داده است. نتایج تحقیق نشانگر حمایت از دیدگاه ساختاری در زمینه تربیت شهروندی است. همچنین مفهوم شهروندی با توجه به اینکه ایدئولوژیک و سیاسی است باید به صورت خاص در هر منطقه و کشور تدریس شود. یافته‌های این پژوهش بر نقش شهروندان و نیز توجه به نیازهای خاص هر منطقه در جهت دستیابی به تربیت شهروند مطلوب تأکید دارد.

با مروری مختصر بر سوابق مطالعات انجام گرفته مشخص می‌شود که به رغم اهمیتی که این مقوله دارد پژوهش‌ها و اقدامات انجام شده در این زمینه ناکافی است. وجه تمایز این پژوهش با تحقیقات قبلی در این است که تاکنون پژوهشی با محوریت تربیت شهروندی با روش تحلیل انتقادی در خصوص گفتمان‌های پس از انقلاب انجام نپذیرفته است. بنابراین جنبه اول نوآوری این پژوهش مبنا قرار دادان گفتمان‌های شکل گرفته بعد انقلاب و بررسی و تحلیل موضوع تربیت شهروندی از منظر آنهاست و جنبه نوآوری دوم پژوهش از منظر تحلیل انتقادی تربیت شهروندی در حوزه گفتمان‌های شگل گرفته بعد از انقلاب و تأثیر هر کدام بر موضوع تربیت شهروند و آن هم با نگاه انتقادی است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲-۱. شهروندی

شهروند از حیث لغوی به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد، تعریف شده است (رضایی‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۹).

www.SID.ir

از نظر تخصصی شهروندی موقعیت ناشی از عضویت در اجتماع سیاسی است که به موجب آن مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات و حق مشارکت و تعیین سرنوشت در جامعه برای فرد شکل می‌گیرد. این موقعیت بر اصول برابری، آزادی و فردیت مدنی تکیه دارد که زمینه‌ساز آنها وجود جامعه مدنی، دموکراسی، حکومت قانون و فرهنگ سیاسی مدنی است (ایران‌منش، ۱۳۹٤، ص. ۲٤). مفهوم امروزی شهروند به معنای ساکن یا اهل شهر نیست، بلکه اساسی‌ترین بار معنایی آن، این است که در اداره امور عمومی شهر دخالت و مشارکت دارد (فرمهینی فراهانی، ۱۳۸۹، ص. ۵).

۲-۲. تربیت شهروندی

تربیت شهروندی فرایندی است که شهروندان فعال، مطلع، حساس و کارآمد در زندگی مدنی و امور مربوط به ناحیه خود را ایجاد می‌نماید و جنسیت‌ها، نژادها و ساختار طبقاتی را معرفی می‌کند و عدالت اجتماعی و تنوع را گسترش می‌دهد و افراد را به تأمل و مشارکت در جریانات سیاسی و تصمیم‌گیری آماده می‌نماید (Nelson and Kerr, 2005, pp.10-25). در واقع تربیت شهروندی به آن بخش از فعالیت‌های تعلیم و تربیت اطلاق می‌گردد که در اشکال رسمی و غیررسمی افراد یک جامعه را برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند. تربیت شهروندی هم در اشکال صریح و هم در اشکال ضمنی دنبال می‌شود و محتوای آموزشی آن، هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای یافت می‌شود (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۹). کارشناسان معتقدند تربیت شهروندی متناسب با هر جامعه‌ای دارای الگوها و مؤلفه‌های متفاوتی خواهد بود (نک. فتحی واجارگاه و واحدچوکده، ۱۳۸۵) چنانچه فالکس (۱۳۹۰) مؤلفه‌های تربیت شهروندی را مسئولیت‌پذیری، گسترش ارتباطات انسانی، کل‌نگری و احترام به اصول اخلاقی می‌داند.

۲-۳. گفتمان عدالت‌محوری

با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸٤ شاهد تولد طیف جدیدی از اصولگرایان در معادلات سیاسی بودیم. این گروه از درون جناح راست سنتی برآمده و آرمان‌گرا و تحول‌خواه بودند. احمدی‌نژاد چهار اصل بنیادین دولت خود را، عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمتگزاری و تعالی و پیشرفت همه‌جانبه کشور، اعلام کرد (حسین‌زاده،

www.SID.ir

۱۳۸۸، ص. ١٤٤). گرچه عدالت‌گستری محور گفتمان عدالت‌محوری است و دال متعالی عدالت به آن هویت می‌بخشد، ولی این دال و مفهوم کانونی در چارچوب اصول‌گرایی تعریف و عرضه می‌گردد (دهقانی، ١٣٨٦، ص. ٧١).

۲-٤. گفتمان اعتدال

با آغاز به کار دولت یازدهم، گفتمان دیگری در چارچوب اصول انقلاب اسلامی ظهور کرد که اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. میانه‌روی دال مرکزی گفتمانی بود که در کنار عناصر دیگر مانند پرهیز از رادیکالیسم، آزادی، تنش‌زدایی، تعامل با جهان و اسلام میانه‌رو، توانست در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران پیروز شود (اکوانی و نوروزی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص. ١٤).

۳. روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده شده است. این روش به مطالعه چگونگی تولید، بازتولید و استمرار نابرابری‌ها، سلطه و قدرت اجتماعی در بافتار سیاسی و اجتماعی و از طریق متن و گفتار می‌پردازد. چنین روشی به دنبال فهم، شناخت و افشای این نابرابری‌هاست (Schiffrin, Tannen and Hamilton, 2001). در این روش تحلیل در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام خواهد گرفت. در هر یک از سطوح ما با تحلیل سرکار داریم اما ماهیت تحلیل در هر مرحله متفاوت و در عین حال به هم مرتبط است. تحلیل در مرحله توصیف، برچسب‌دهی به ویژگی‌های صوری متن یا به تعبیری بررسی واژه‌ها، ساختار جمله و روابط جمله‌ها به منظور شناسایی هدف و چگونگی به کارگیری واژگان توسط تولیدکنندگان متن است (اطهری و زمانی، ۱۳۹۲). در سطح تفسیر، به بررسی چگونگی شرایط تولید و خوانش متن (بینامتنیت) و تحلیل فرایندهای شناختی شرکت‌کنندگان و تعاملات میان آنها پرداخته می‌شود. در مرحله تبیین نیز، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، گفتمان، تاریخی، ایدئولوژی و قدرت و قراردادها، دانش فرهنگی اجتماعی و همچنین، بررسی عملکرد متن در شرایط امروز، ارتباط متن با گفتمان مسلط

www.SID.ir

و تأثیرات بازتولیدی متن پرداخته می‌شود (Fairclough, 2005, p. 95). متون گفتمانی مورد بررسی در پژوهش حاضر پیرامون تربیت شهروندی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصوب ۱۳۹۰ و سند برنامه درسی ملی مصوب ۱۳۹۱، در دوره گفتمانی عدالت‌محوری و منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵، در دوره گفتمانی اعتدال می‌باشد. این متون با استفاده از روش فرکلاف در سه سطح مورد واکاوی قرار خواهد گرفت تا مشخص گردد هر گفتمان در رابطه با تربیت شهروندی چه موضعی اتخاذ نموده، چگونه و چرا؟ با چه تعاملات و پیامدهایی؟ با تحلیل متون منتخب گفتمان‌های مذکور، به این دست خواهیم یافت که اهداف پنهان و ایدئولوژی-های هر گفتمان چیست و چرا؟

٤. تحلیل انتقادی تربیت در گفتمان عدالت‌محوری

٤-١. سطح توصیف

برای مشخص نمودن ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی تربیت شهروندی در گفتمان عدالت‌محوری به تحلیل اسناد گفتمانی این دوره در سطح توصیف خواهیم پرداخت. اسناد مبنا در این مرحله عبارتند از: مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۰).

جدول شماره (۱): تحلیل گفتمان عدالت‌محوری در سطح توصیف

واژگان سلبی	فقر، فساد و تبعیض (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۵۷)، اسراف و تبذیر (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۹)، بی‌عدالتی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۰۲)، تهاجم فرهنگی (سند برنامه درسی ملی، ص ٢٦)، خودی‌محوری، خودکامگی و استبداد (مبانی نظری سند تحول، ص ٣٠٤)، رذایل اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹).
واژگان محوری	ارزش‌های اسلامی و انقلابی (سند برنامه درسی ملی، ص ۹)، ارزش‌های دینی و اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹۵)، رعایت قانون، مشارکت اجتماعی و سیاسی (مبانی نظری سند تحول، ص ٩٦)، عدالت‌محوری (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۵۰)، تربیت اقتصادی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۹)، دین‌محوری (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۰)، حق‌محوری (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۸۳)، جامعه صالح (مبانی نظری سند تحول، ص ۹۵)، اخلاق‌مداری

www.SID.ir

	(مبانی نظری سند تحول، ص ۹۵)، ولایت مطلقه فقیه (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۷)، فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۵)، روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰٦).
واژگان پربسامد	قانون‌مداری (سند برنامه درسی ملی، ص ۹)، مراعات حقوق دیگران (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۵۵)، حیات طیبه (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۸)، حق‌محوری (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۰۲)، مهرورزی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۳۸)، معیار اسلامی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹٤)، متعهد به ارزش‌های اخلاقی (سند درسی ملی، ص ۱۹)، جامعه مهدوی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۳۸)، حفظ کرامت و عزت (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۵۵)، عقلانیت‌محوری (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۰)، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، مردم‌سالاری دینی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۵۵). عدالت‌محوری (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۵۰).
واژگان تقابلی	تربیت دینی در مقابل تربیت سکولار (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹)، صفات و فضایل اخلاقی در مقابل صفات و رذایل غیراخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹۵)، منافع فردی در برابر منافع و مصالح ملی (سند درسی ملی، ص ۱۹)، رعایت عدالت در برابر بی‌عدالتی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۰۲)، فرهنگ سازمانی بسته در برابر مشارکت‌جویی (مبانی نظری سند تحول، ص ٤۱۷)، نگاه جزیی‌نگر در مقابل نگاه آینده‌نگر (مبانی نظری سند تحول، ص ٤۱۸).
واژگان محدودکننده	– افعالی نظیر: توجه نماید، باید (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۰)، پایبند باشند، برخوردار باشد، تأمین کند (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۱)، ساخته باشند (سند برنامه درسی ملی، ص ۳۵)، مبنا قرار گیرد (سند برنامه درسی ملی، ص ٤۳). – کاربرد عباراتی نظیر: انطباق با نظام معیار ربوبی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۲۲)، در چارچوب نظام معیار اسلامی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۱۰)، بر اساس دین و آموزه‌های دینی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹)، با رعایت استانداردها و حفظ مصالح ملی (سند برنامه درسی ملی، ص ۵۰). – کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: جهادگر، ایثارگر، تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، وفادار به ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، زمینه‌سازان جامعه عدل مهدوی (سند برنامه درسی ملی، ص ۹). – به‌کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: الگوی اسلامی ـ ایرانی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۱)، نظام معیار دینی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹٤)، حیات طیبه (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹)، فطرت‌مداری (مبانی نظری سند

www.SID.ir

	تحول، ص ۳۰۰)، نظام معیار ربوبی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۲۲).
واژگان با شمول معنایی	عدالت، وحدت و تفاهم ملی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹۶)، حیات طیبه (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۸)، جهاد (مبانی نظری سند تحول، ص ۹۵)، دین اسلام (سند درسی ملی، ص ۱۸)، اعتقادی، عبادی، اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹)، نظام معیار دینی (مبانی نظری سند تحول، ص ۹٤)، جامعه مهدوی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۳۸)، قانون (مبانی نظری سند تحول، ص ۹٦).
واژگان مشروع‌سازی شده	قانون اساسی، جمهوری اسلامی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲٤)، انقلاب اسلامی (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۰)، حوزه‌های علمیه (مبانی نظری سند تحول، ص ۳٦۳)، ولایت‌پذیری (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۵)، فرهنگ اسلامی ـ ایرانی (سند برنامه درسی ملی، ص ۷).
مفاهیم تربیت شهروندی متن	پرورش روحیه عدالت‌خواهی و حقیقت‌جویی (سند برنامه درسی ملی، ص ۳۲)، تأکید بر قانون‌مندی و قانون‌مداری (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰٤)، توجه به مباحث ارزشی و اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰٤)، تأکید بر تربیت اقتصادی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۹)، حفظ خانواده صالح در راستای شکل‌گیری جامعه صالح (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۳)، کسب صفات و فضایل اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۵٤)، توجه به تفاوت‌ها (سند برنامه درسی ملی، ص ۱۱)، تأکید بر حق‌محوری، تأکید بر مردم‌سالاری دینی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۳)، تأکید بر اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۳)، ایجاد هویت مشترک ایرانی و اسلامی (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۵)، تکوین و تعالی هویت دینی و اخلاقی (مبانی نظری سند تحول، ص ۲۹۹)، ایجاد روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری (مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰٦).

در گفتمان عدالت‌محوری اولویت‌های اول تربیت شهروندی که بیشترین تکرار را داشته‌اند و بیش از انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «عدالت‌خواهی»، «داشتن روحیه نظم و قانون‌مداری»، «تأکید بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی»، «پرورش روحیه خدمت‌رسانی به مردم و بهزیستی اجتماعی»، «حمایت از محرومان و کاهش فقر و محرومیت»، «پرورش روحیه ساده‌زیستی»؛ گروه دوم واژگان که در حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «مشارکت مردمی»، «همدلی و همدردی و حمایت از دیگران»، «تأمین اجتماعی و رفاه شهروندان»، «زندگی جمعی (هم‌زیستی مسالمت‌آمیز)»، «احترام به

www.SID.ir

حقوق دیگران»، «حس وطن‌دوستی و احترام به نشانه‌های ملی»؛ گروه سوم واژگان که کمتر از حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «تفکر انتقادی (ارزیابی نقادانه مسایل)»، «آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی»، «پذیرش تنوع و تکثر و احترام به تفاوت‌ها»، «حفظ حریم خصوصی»، «تربیت سیاسی»، «آگاهی اجتماعی»، «برابری اجتماعی» و «شهروندی جنسیتی».

٤-۲. سطح تفسیر

رویکرد عدالت‌محوری، فصل‌الخطاب همه برنامه‌ها و لوایحی بود که در کلام و عمل رئیس جمهور وقت بسیار نمایان بود. مهم‌ترین مسئله و دغدغه دولت احمدی‌نژاد، رجعت به ارزش‌ها و اصول اسلامی با بسط دامنه خدمتگزاری و اشرافیت‌زدایی در عرصه سیاست بود. لذا ایشان برای رسیدن به آن هدف، پرچم عدالت‌محوری و عزّت اسلامی را برافراشت. تخاصم و تضاد گفتمان عدالت‌محوری با گفتمان اصلاحات، بیش از هر چیز، پیرامون تکوین و تعالی ارزش‌های اسلامی و انقلابی اوایل انقلاب و همچنین پرورش روحیه عدالت‌خواهی در بین شهروندان بود. در گفتمان عدالت‌محوری، با احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر محور دال مرکزی «عدالت»، دال‌های چهارگانه «عدالت‌گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی» و «خدمت‌رسانی» مفصل‌بندی و تلاش شد تا توجه ویژه‌ای به عدالت و عدالت‌گستری شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۱). طبق تحلیل متون متعلق به این دوره کاربرد واژه‌ها و عبارات پربسامدی نظیر: مبانی اولیه انقلاب، عدالت، ارزش‌های اسلامی و انقلابی، مناطق محروم، پرورش روحیه خدمت‌رسانی به مردم و بهزیستی اجتماعی، حیات طیبه، حق‌محوری، مهرورزی و هم معنا گرفتن تربیت شهروندی با تأکید بر واژه‌هایی مانند: تأکید بر مردم‌گرایی، تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، گسترش اخلاق‌گرایی، تأکید بر مردم‌سالاری دینی و بدیهی‌سازی و مشروع‌سازی ارزش‌های اسلامی و انقلابی و محور قراردادنشان در کلیه سیاست‌گذاری‌ها کلان تربیتی، بیش از هر چیز نشانگر هدف گفتمان عدالت‌محوری برای احیای دوباره ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. افراد درگیر در فرایند، دولت به عنوان فاعل آشکار و آحاد مردم بالاخص اقشار آسیب‌پذیر و کم‌برخوردار می‌باشد. به کارگیری عبارات و افعال امری و شرطی نشان‌دهنده روابط اقتداری، سلسله‌مراتبی و هشدار

www.SID.ir

غیرمستقیم و نیز فاصله‌ای تثبیت شده مابین مخاطب و تولیدکننده متن است.

این دولت برخلاف دولت‌های قبلی نگرش ارزشی به مسائل فرهنگی داشته و تأکید ویژه‌ای بر ارزش‌های اسلامی و احیای ارزش‌های اوایل انقلاب داشته است. از شرایط گفتمانی دیگری که در این دولت غالب بود مردم‌گرایی همراه با نگرش پدرسالارانه سنتی محافظه‌کاری ایرانی بوده است. تأکید بر معنویت در کنار مفهوم عدالت، توجه ویژه به سجایای اخلاقی، دینی، مذهبی و ارزشی، تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی، از دیگر شرایط حاکم بر این دوره بود. در بخش اجتماعی و سیاسی نیز تلاش شده تا از هرگونه جنجال در عرصه اجتماعی ـ سیاسی و درگیری‌های حزبی جلوگیری به عمل آید و تلاش دولت معطوف به حل مشکلات اساسی مردم گردد. بنابراین گفتمان عدالت‌محوری بیشتر به دنبال تربیت شهروندانی با سجایای اخلاقی، دینی، مذهبی و ارزش‌گراست که از لحاظ اجتماعی و سیاسی افرادی مؤثر و مفید باشند.

گفتمان عدالت‌محوری به دنبال، پررنگ نمودن دوباره ارزش‌های اسلامی انقلاب بود. و تولید متون جدید در این دوره به دنبال دستیابی به این هدف بود. در این گفتمان استفاده از واژگان ارزشی و برجسته‌سازی و محوریت دادن به این ارزش‌ها در کلیه امور، تا حدودی موجب محدودیت فعالیت‌های مرتبط با تربیت شهروندی می‌باشد. در این دوره به مؤلفه‌ها و رویکردهای تربیت شهروندی به طور یکسان توجه نشده است و متون بررسی شده نشان‌دهنده این می‌باشد که به مؤلفه‌ها و ابعاد مختلفی از تربیت شهروندی کم‌توجهی شده یا مورد غفلت واقع گردیده است. بر اساس واژگان کانونی، سلبی و تقابلی و همچنین مفاهیم تربیت شهروندی موجود در متون این دوره، برداشت می‌شود که دولت سعی داشته است مهمترین اولویت خود را استقرار و برپایی عدالت، به کمک حضور عمومی و همگانی مردم نشان دهد و معتقد بود که در این راه مردم باید دولت را حمایت و همراهی کنند.

٤-٣. سطح تبیین

گفتمان عدالت‌محوری دولت محمود احمدی‌نژاد رسالت خود را در تقابل با گفتمان اصلاحات دولت قبل در حوزه‌های مختلف تعریف نموده بود. جهت‌گیری عمده مواضع احمدی‌نژاد، حول محورهایی مانند ساده‌زیستی مسئولین، عدالت‌خواهی، توجه

www.SID.ir

به اقشار مستضعف و حاشیه‌نشینان و مبارزه با انواع فساد بود. به طوری که در متون مورد بررسی دستمایه اصلی تأکید بر مؤلفه‌های عدالت و برابری اجتماعی در گفتمان عدالت‌محوری عمدتاً فاصله‌ای است که میان شعار و عمل سیاسی گفتمان‌های رقیب وجود دارد. برجسته بودن مفاهیم دینی و ارزشی در برابر مفاهیمی که نمایان کننده رویکردهای لیبرالی و تکثرگرایی است در گفتمان عدالت‌محوری نمایان است.

گفتمان عدالت‌محوری با طرح دال مرکزی عدالت، بر روی دولت‌های گذشته خط بطلان کشید و آنها را متهم به بی‌عدالتی در جامعه کرد. او سعی کرد تا عناصر گفتمانی خود را در کنار دال مرکزی عدالت مفصل‌بندی کند. با ساختارشکنی دال توسعه اقتصادی و سیاسی از دولت‌های گذشته، ترمیم گفتمان خویش را جدی گرفت. مولدین متن، یعنی اصول‌گرایان عدالت‌محور، به نوعی با تأکید بر عدالت‌گستری، مردم‌گرایی، مهرورزی، پیشرفت و تعالی مادی و معنوی و خدمت‌رسانی در منازعه با گفتمان رقیب یعنی گفتمان اصلاحات که باورمند به تقدم توسعه سیاسی بر عدالت بود، به جایگاهی غالب دست یافت و با گفتمان مسلط انقلاب و جمهوری اسلامی (گفتمان اصول‌گرایی) بسیار همراه عمل نمود، به گونه‌ای که تمامی گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌هایی مانند: کاپیتالیسم، سکولاریسم، لیبرال دموکراسی و مدرنیته که در تضاد با ارزش‌های گفتمان مسلط بودند را به حاشیه راند و مطرود نمود.

متون تولید شده در گفتمان، پیرامون تربیت شهروندی با نظریات کلان سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اقتصادی جهان، یعنی کاپیتالیسم، سکولاریسم، لیبرال دموکراسی و مدرنیته همخوانی ندارد و گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌هایی که در تضاد با ارزش‌های گفتمان مسلط بودند را به حاشیه راند و مطرود نمود. اما تا حد زیادی با آموزه‌های بنیادی اسلام، نظیر حکومت بر مبنای اسلام، همراهی دین و سیاست، امر به معروف و نهی از منکر همخوانی دارد و تا حدودی با افکار سوسیالیستی از آن جهت که طرفدار مردم‌گرایی، قشر مستضعف و باور به عدالت دولتی و توزیعی دارد و از جهتی با لیبرالیسم، پیرامون خصوصی‌سازی و مشارکت‌طلبی، همخوانی دارد، هر چند که ترویج و حفظ ارزش‌های مدنظر گروه حاکم، با هدف نگهداشت قدرت و منوط دانستن تغییر و تحول به ارزش‌های ایدئولوژیک، متون را در اختیار داشت و از آن برای خنثی نمودن هر اقدامی که ارزش‌های انقلابی و اسلامی را به حاشیه براند، استفاده نمود. تولید متون مذکور در شرایط جامعه آن

www.SID.ir

روز با هدف فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی برای تحقق و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی به واسطه پررنگ نمودن و احیای دوباره ارزش‌های اسلامی انقلاب، احیای آرمان‌های اولیه انقلاب به ویژه عدالت‌گستری، مبارزه با تهاجم فرهنگی در تمام سطوح، انسجام و وحدت‌بخشی بین مردم و مسئولین با برجسته‌سازی و نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی و انقلابی انجام پذیرفت. در این گفتمان اقدامات اجرایی مرتبط با تربیت شهروندی محدود به اقداماتی در چارچوب ارزش‌های مدنظرگروه حاکم بود، برجسته‌سازی این ارزش‌ها و منوط دانستن موفقیت اقدامات فرهنگی و اجتماعی بالاخص تربیت شهروندی در توسل به این ارزش‌ها و کم‌توجهی به کثرت‌گرایی و غیرگرایی موجب گردید ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تربیت شهروندی که نیازمند برنامه‌ای کارآمد برای بهبود و پیشرفت بود، مورد غفلت و یا کم‌توجهی واقع شود و ناکارآمد گردد.

۵. تحلیل انتقادی تربیت شهروندی در گفتمان اعتدال

۵-۱. سطح توصیف

برای مشخص نمودن ویژگی‌ها و خصوصیات اصلی تربیت شهروندی در گفتمان اعتدال به تحلیل اسناد گفتمانی این دوره در سطح توصیف خواهیم پرداخت. متن مبنا در این قسمت منشور حقوق شهروندی (http://media.president.ir) می‌باشد که به سال ۱۳۹۵ نهایی و به تصویب رسیده است.

جدول شماره (۲): تحلیل متون گفتمان اعتدال در سطح توصیف

واژگان سلبی	محدود کردن آزادی (ماده ۱۲)، محدودیت حقوق شهروندی (ماده ٤٣)، محرومیت اجتماعی (ماده ٦٦)، افراط، تفریط، توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر (ماده ٦ و ۹)، شکنجه جسمی یا روانی (ماده ٦٠)، نقض حقوق شهروندی (ماده ٤٥)، تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری (ماده ٥٤)، شتاب‌زدگی، خودسری، فریبکاری و مخفی‌کاری (ماده ٢٤)، تبعیض (ماده ٤، ٤٣ و٨٢)، آزار و بهره‌کشی (ماده ٤).
واژگان محوری	رعایت قانون (ماده ۱، ۲۷، ۳۱، ۵۱ و۷۷)، احترام به حقوق دیگران (ماده ۲۷ و ۱۰۸)، اعتدال، تدبیر و پرهیز از تندروی (ماده ٢٤)، انتخاب آزادانه (ماده ۷۸)، رعایت شأن، حرمت و کرامت انسان‌ها (ماده ٦٠)، آزادی (ماده ۱۲)، امنیت شهروندی (ماده ۱۳)، برخورداری از رفاه و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی

www.SID.ir

	(ماده ۲ و۸٦)، حفظ حریم خصوصی (ماده ۱۳، ۳۵ و۳٦)، نقد و انتقادپذیری (ماده ۲۸)، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار (ماده ۱۱۲-۱۱٤).
واژگان پربسامد	حق آزادی اندیشه و بیان (ماده ۲۵و۲٦)، رعایت حقوق دیگران (ماده ۲۷)، تدبیر (ماده ۲٤)، حق آزادی (ماده ۱۲)، امنیت شهروندی (ماده ۱۳)، مشارکت (ماده ۱۵ و٤٤)، دادخواهی آزادانه (ماده ٥٦)، اعتدال (ماده ۲٤)، رعایت قانون (ماده ۱، ۲۷، ۳۱ و ۵۱).
واژگان تقابلی	رعایت حقوق شهروندی در برابر نقض حقوق شهروندی (ماده ٤٥)، فرصت‌های اجتماعی برابر در مقابل تبعیض (ماده ٤ و ۱۱)، آزادی در برابر بهره‌کشی (ماده ٤)، اعتدال در مقابل افراط و تفریط (ماده ۲٤)، آزادی بیان در برابر سانسور و کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها (ماده ۲۹).
واژگان محدودکننده	- افعالی نظیر: باید (ماده ۱٤، ۱۷ و ۱۱٤)، نباید (ماده ۱۳ و ۱۱۱)، سلب کرد (ماده ۱)، الزامی است (ماده ۱۹)، نمی‌تواند (ماده ۱۲)، ممنوع است (ماده ۸ و ۱۰). - کاربرد عباراتی نظیر: در چارچوب حدود مقرر در قانون (ماده ۲٦)، مگر به موجب قانون (ماده ۱، ۳۱ و۷۵)، مراعات موازین اخلاقی (ماده ۳۳)، بر اساس موازین اسلامی (ماده ۱۱)، متناسب با عرف و فرهنگ اجتماعی (ماده ۱۰۲)، در چارچوب موازین قانونی (ماده ۱۰۲). - کاربرد صفات ایدئولوژیک برای مخاطبان: عدالت‌خواه (صفحه أ بند ۲)، آزادی‌خواهی (صفحه أ بند ۱)، حرمت نهادن به کرامت و حیثیت والای انسانی (صفحه أ بند ۳)، پیرو قانون (ماده ۱، ۲۷ و ۳۱). - به کارگیری واژگان کلی و انتزاعی نظیر: زندگی اخلاقی، موازین اسلامی (ماده ۱۱)، فرهنگ اسلامی ـ ایرانی (ماده ۸۹)، مشارکت (ماده ۱۵ و٤٤)، اعتدال (ماده ۲٤)، حقوق شهروندی (ماده ٤۳ و ٦٤).
واژگان با شمول معنایی	قانون (ماده ۱، ۲۷ و ۳۱)، اسلامی (ماده ۸۹)، هویت فرهنگی (ماده ۱۰۸)، حقوق (ماده ۱۳)، مشارکت (ماده ۱۵)، اعتدال (ماده ۲٤)، آزادی (ماده ۱۲)، وحدت، امنیت، استقلال، اقتدار ملی (ماده ۱۱۸).
واژگان مشروع‌سازی شده	فرهنگ اسلامی ـ ایرانی (ماده ۸۹)، ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی (ماده ۵۳)، موازین اسلامی (ماده ۱۱).
مفاهیم تربیت شهروندی متن	ضرورت رعایت قانون (ماده ۱، ۲۷، ۳۱ و۵۱)، رعایت حقوق دیگران (ماده ۲۷ و ۱۰۸)، توجه به آزادی و امنیت شهروندی (ماده ۱۲ و۱۳)، تأکید بر مشارکت

www.SID.ir

	شهروندان در امور مختلف (ماده ۱۵)، تأکید بر دادخواهی آزادانه (ماده ٥٦)، پذیرش تنوع و تکثر و احترام به تفاوت‌ها (ماده ۹٦ -۱۰۲)، تأکید بر میانه‌روی و تدبیر در امور (ماده ٢٤)، دستیابی برابر به امکانات و خدمات عمومی و دولتی (ماده ۲ و ۸)، توجه به شأن، حرمت و کرامت انسان‌ها (ماده ٦۰)، فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مدارا (ماده ۲۸).

در گفتمان اعتدال اولویت‌های اول تربیت شهروندی که بیشترین تکرار را داشته‌اند و بیش از انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «اعتدال و میانه‌روی»، «داشتن روحیه نظم و قانون‌مداری»، «تدبیر و تعقل»، «داشتن حق انتخاب آزادانه» و «مشارکت مردمی». گروه دوم واژگان که در حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «تأمین اجتماعی و رفاه شهروندان»، «احترام به حقوق دیگران»، «مردم‌سالاری دینی»، «کرامت و برابری انسان‌ها» و «احترام و عمل به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه». گروه سوم واژگان که کمتر از حد انتظار مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از: «توانایی حل مسئله»، «استفاده درست از امکانات»، «تربیت سیاسی» و «شهروندی جنسیتی».

۵-۲. سطح تفسیر

در گفتمان اعتدال مهم‌ترین ویژگی آن ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳). گفتمان اعتدال در تخاصم با گفتمان‌های اصوال‌گرایی و اصلاح‌طلبی، شکل گرفت، تخاصم و تضاد گفتمان اعتدال با گفتمان‌های اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، بر اساس مبانی اعتقادی ـ ارزشی و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی مربوط به هر گفتمان و در خصوص تربیت شهروندی بیش از هر مسئله‌ای پیرامون سیاست‌ها و راهکارهای عملی جهت احیای حقوق شهروندی می‌باشد. گفتمان اعتدال در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ اقدام به رونمایی منشور حقوق شهروندی کرد. بر طبق متن مورد بررسی دال مرکزی این گفتمان خود دال «اعتدال» است. طبق تحلیل متون و اسناد مورد بررسی این گفتمان، کاربرد واژه‌ها و عبارات پربسامدی نظیر: آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی، قانون‌گرایی، آزادی، مشارکت، رفاه، امید، اعتدال و تدبیر و هم‌معنا گرفتن تربیت شهروندی با تأکید بر واژه‌هایی مانند: توجه به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، حفظ حقوق افراد، توسعه

www.SID.ir

مشارکت سیاسی، احترام به قانون و رعایت آن، تأکید بر حقوق شهروندی نشانگر گرایش و نگاه گفتمان اعتدال به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه است.

با توجه به متون مورد بررسی دولت با موظف دانستن خود نسبت به احقاق حقوق مردم و با به‌کارگیری عبارات مخاطب‌پسند پیرامون مشارکت، اعتدال، حقوق شهروندی و عدالت به نوعی خود را از مردم و مردم را از خود می‌داند و با دادن صفات ایدئولوژیک به مخاطب، علاوه بر اینکه، هدف اقناع مخاطب و ایجاد حس رضایت در مخاطب پیرامون این امر را دارد، به نوعی وی را در ارزشیابی یک‌سویه ملزم به پذیرش می‌نماید. کاربرد عبارات و افعال شرطی و امری، به عنوان نوعی هشدار غیرمستقیم نشانگر روابط سلسله‌مراتبی، تمرکزمحور و فاصله‌ای مابین فاعلان و مخاطبان می‌باشد که مشارکت را در عمل برنمی‌تابد. زبانی که در متون به کار گرفته شده، علاوه بر اینکه در تخاصم با گفتمان پیشین است، حاصل اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی نیز است. مشروع‌سازی و بدیهی‌سازی موازین اسلامی و ارزش‌ها و سنت‌های دینی و ملی به عنوان معیار و محور کلیه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و محور قرار دادن فرهنگ اسلامی ـ ایرانی، حاکی از روابط از پیش تعیین شده است. با اینکه هدف از تولید متن توسط گفتمان اعتدال، با توجه به متن منشور حقوق شهروندی، آگاه نمودن شهروندان از حقوق شهروندی آنها و نیز صیانت از حقوق شهروندان در چارچوب قانون اساسی بود، اما واژگان و عبارات متناقض و محدودکننده و نوع کنش مابین مخاطب و گوینده، با آزادی، اقلیت‌گرایی، کثرت‌گرایی و مشارکت‌طلبی به عنوان مهمترین مؤلفه‌های تربیت شهروندی همخوانی ندارد و اجرای تربیت شهروندی را بر مبنای حقوق شهروندی محدود می‌کند: «عدالت‌گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی» و «خدمت‌رسانی».

۵-۳. سطح تبیین

طبق تبیین متون گفتمان اعتدال، باید گفت ارتباط این متون، با گفتمان مسلط، یعنی گفتمان اصول‌گرایی قوی است و عبارات تأییدکننده بسیاری در این رابطه به کار گرفته شده است. بر طبق متن مورد بررسی دال مرکزی این گفتمان خود دال «اعتدال» است؛ دال مرکزی یعنی اعتدال با دال‌های شناور نظیر: نظم و قانون‌مداری، تدبیر و تعقل، انتخاب آزادانه، مشارکت، توسعه اقتصادی، تشکل‌ها و نهادهای مردمی، به عنوان زمینه‌ساز تربیت

www.SID.ir

شهروندی، منجر به طرد و حاشیه رانده شدن، دال مرکزی و دال‌های شناور گفتمان عدالت‌محوری شد، به‌گونه‌ای که مولدین متن گفتمان اعتدال، در منازعه با گفتمان رقیب یعنی گفتمان عدالت‌محوری که عدالت‌گستری، خدمت‌رسانی، مهرورزی و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی را برجسته نموده بود، به جایگاهی غالب دست یافت و در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی (گفتمان اصول‌گرایی) به نوعی، نتوانست آن‌چنانکه باید غالب شود و افکار و ارزش‌های محوری خود را عملی نموده و نهادینه نماید، چرا که حزب راست محافظه‌کار یا سنت‌گرای ایدئولوژیک، که از اوایل انقلاب نفوذ بسیار عمیقی در اوضاع و تصمیمات داشت، کماکان با مشروع‌سازی و بدیهی‌سازی ارزش‌ها و حق حاکمیت خود به جایگاهی غالب در مبارزات گفتمانی دست یافت.

اگرچه متون تولید شده در گفتمان اعتدال، پیرامون شهروندی و تربیت شهروندی به نحوی با نظریات کلان سیاسی، اجتماعی و تربیتی جهان، یعنی لیبرالیسم اجتماعی، سوسیال دموکراسی، لیبرال دموکراسی و مدرنیته همخوانی دارد، اما ترویج و حفظ ارزش‌های مدنظر گروه حاکم محافظه‌کار، با هدف نگهداشت قدرت و منوط دانستن تغییر و تحول به ارزش‌های ایدئولوژیک، متون را در اختیار داشت و از آن برای خنثی نمودن هر اقدامی که ارزش‌های مدنظر را به حاشیه براند، استفاده نمود. تولید متون مذکور در شرایط جامعه آن روز با اهدف زیر صورت گرفته است: آگاه‌سازی شهروندان از حقوق شهروندی آنها، ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی افراد جامعه، رشد ارزش‌های انسانی در جامعه، شکوفا شدن استعدادهای درونی جامعه، رسیدگی به وضعیت حقوق زنان، اقلیت‌های مذهبی و قومی و...، کاهش فشارهای بین‌المللی با تهیه و تصویب منشور حقوق شهروندی، تأمین رفاه روحی و اجتماعی شهروندان، دستیابی به منافع جناحی برای حفظ قدرت. در این گفتمان انتشار اسناد و متون مرتبط با تربیت شهروندی صرفاً موجب آگاه‌سازی شهروندان از حقوق و اختیارات شهروندی آنان گشته ولی برای گسترش تربیت شهروندی افراد جامعه و دستیابی به شهروند مطلوب راهکارهای عملی با ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشده و می‌توان گفت برنامه‌ها و اقدامات مرتبط با تربیت شهروندی محدود به ارائه گزارش‌هایی از نهادهای دولتی به دستیار رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی گردیده است.

www.SID.ir

٦. بررسی تطبیقی جایگاه تربیت شهروندی

با توجه به تحلیل ارایه شده حال می‌توان در چهار محور اساسی به بررسی تطبیقی جایگاه شهروندی در این دو گفتمان پرداخت:

٦-١. شهروند مطلوب

شهروند مطلوب گفتمان عدالت‌محوری، فردی است با ویژگی‌های احترام به قوانین و مقررات، عدالت‌خواه، ساده‌زیست، حامی محرومان، پایبند به ارزش‌های اسلامی و انقلابی، رعایت حقوق و وظایف شهروندی و احترام به حقوق دیگران. اما گفتمان اعتدال مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهروند مطلوب را حق آزادی، مشارکت، امنیت، اعتدال، تأمین اجتماعی، انتخاب، کیفیت زندگی، توسعه اقتصادی، سلامت، اخلاق و رفاه می‌داند.

٦-٢. اولویت در نوع تربیت

از وجه افتراق دو گفتمان مورد بحث در اولویت‌دهی به انواع تربیت شهروندی است. به این معنا که در اسناد گفتمان عدالت‌محوری، تربیت شهروندی اجتماعی ـ اقتصادی و در گفتمان اعتدال، تربیت شهروندی سیاسی و مدنی از اولویت برخوردارند. به طوری که گفتمان عدالت‌محوری برخورداری از حقوق اجتماعی ـ اقتصادی را ترجیح می‌دهد و در مجموع چندان توجهی به حقوق مدنی نمی‌کند. اما گفتمان اعتدال برخورداری از حقوق سیاسی و مدنی را لازمه و پیش‌شرط دستیابی به سایر حقوق شهروندی می‌داند. این یافته همسو با نتایج تحقیق حسینی پاکدهی و زردار (۱۳۹۰) می‌باشد. نتایج تحقیق آنان بیانگر آن بود که از دید روزنامه‌های اصلاح‌طلب، حقوق سیاسی و آزادی بیان و انتخابات آزاد، مهمترین حقوق شهروندان به شمار می‌روند و از نظر روزنامه‌های اصولگرا، حقوق اقتصادی شامل رفاه، معیشت و اقتصاد، مهمترین مطالبات شهروندان را تشکیل می‌دهند.

٦-٣. نقش شهروندان

متون مورد بررسی در هر دو گفتمان توجه اندکی به نقش شهروندان در فرایند تربیت شهروندی داشته و می‌توان گفت تأکید عمده آنها بر مسئولیت دولت و سایر نهادهای حکومتی برای تحقق بخشیدن به زمینه‌های دستیابی به تربیت شهروندی می‌باشد. با توجه به نتایج یافته‌های این تحقیق هر دو گفتمان نسبت به مؤلفه‌های تربیت سیاسی شهروندان،

www.SID.ir

شهروندی جنسیتی و توانایی حل مسئله شهروندان توجه اندکی دارند و در حقیقت این موضوعات را در اولویت کاری خود قرار نداده‌اند.

٦-٤. مؤلفه محوری در تربیت شهروندان

در مقایسه بین دو گفتمان عدالت‌محوری و اعتدال بر اساس میزان توجه به ابعاد و مؤلفه‌های مختلف تربیت شهروندی مشخص گردید، میزان توجه به هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها در دو گفتمان متفاوت می‌باشد. در دو گفتمان مورد بررسی اولویت‌های اول برای تربیت شهروندی یکسان نبوده و هر گفتمان مؤلفه‌ها و ابعادی از تربیت شهروندی را در اولویت قرار داده است، این بیانگر توزیع نامتوازن مؤلفه‌ها و ابعاد تربیت شهروندی در متون و اسناد دو گفتمان می‌باشد و این امر منجر به این خواهد شد که شهروندان در تمام ابعاد به صورت مطلوب و متوازن رشد نکنند. دلیل این امر را باید در شرایط تاریخی جستجو کرد که شهروندی در بطن آن نضج گرفته است. شهروندی نه ایده‌ای بومی بلکه وارداتی است و قبل از ورود به جامعه ایران زیرساخت‌های لازم برای رشد شهروندی مانند طبقه، حزب، انجمن‌های مردم نهاد و نهادهای مدنی در ایران به وجود نیامده بودند و یا در شرایط منفعلی قرار داشته‌اند. همچنین می‌توان یکی از دلایل اینکه تربیت شهروندی در گفتمان‌های اخیر نمودی همه‌جانبه و تصویری دقیق ندارد نوع نگاه به این مقوله در داخل نهادهای مختلف دانست زیرا هنوز اجماعی درباره ضرورت شکل‌گیری تربیت شهروندی برای توسعه همه‌جانبه کشور حاصل نشده و متناسب با نیازهای توسعه‌ای و شرایط اجتماعی ـ سیاسی کشور بازتعریف نشده، تأکید بر مفهوم شهروندی در اسناد متعلق به دو گفتمان اخیر مقطعی و ابزاری برای تحمیل موضع فرادست خود و به محاق بردن گفتمان رقیب می‌باشد. در غالب موارد، اسناد مورد بررسی از الگوی تک‌گفتمانی پیروی می‌کنند و علاقه‌ای به استفاده از عناصر گفتمان‌های رقیب ندارند. این امر نشان می‌دهد که اسناد مورد بررسی حتی در موضوعی مانند شهروندی، به دنبال ارائه همه وجوه قابل تصور برای پدیده نیستند، بلکه با ارائه اطلاعات و برجسته‌سازی در مورد ابعادی که در راستای منافع آنهاست، درصدد جلب نظر مخاطبین و دستیابی به قدرت از طریق آنها هستند (حسینی پاکدهی و زردار، ۱۳۹۰، صص. ۱۲٦-۱۲۹).

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

بعداز انقلاب اسلامی در ایران گفتمان‌های مختلفی ظهور یافته و هر گفتمان تحلیل خاصی از تربیت شهروندی ارائه نموده است. با توجه به اینکه بعد از ظهور پدیده انقلاب اسلامی تحولاتی در اهداف و برنامه‌های تربیت شهروندی صورت گرفته است، برای این منظور بر آن شده‌ایم تا با تحلیل انتقادی اسناد بالادستی مرتبط با تربیت شهروندی، به طور ویژه در دو گفتمان عدالت‌محوری و اعتدال جایگاه تربیت شهروندی در این دو دوره مشخص گردد. در دو گفتمان مورد بررسی اولویت‌های اول برای تربیت شهروندی یکسان نبوده و در هر گفتمان اولویت‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه هر دو گفتمان مورد بررسی تمام ابعاد تربیت شهروندی را مورد توجه قرار نداده‌اند بنابراین شهروند بازنمود شده در این دو گفتمان موجودی تک‌بعدی می‌باشد که پیشرفت و رشدی سریع و نامتعادل را در یکی از ابعاد مختلف تربیت شهروندی داشته است. بنابراین می‌توان گفت این امر مانع جدی در جهت دستیابی به تربیت شهروندی مطلوب می‌باشد و می‌توان گفت علی‌رغم تلاش‌های انجام شده در خصوص تربیت شهروندی، در دو گفتمان عدالت‌محوری و اعتدال، این اقدامات همراه با موفقیت کامل نبوده است. مهمترین شاهد این ادعا مشکلات اجتماعی و سیاسی قابل توجهی می‌باشد که جامعه با آن دست به گریبان است از جمله: قانون‌گریزی، ارزش‌ستیزی و هنجارشکنی توسط برخی از شهروندان و نیز نابرابری اجتماعی. بنابراین به نظر می‌رسد راه‌حل این مشکلات بازاندیشی و تأملی مجدد در خصوص سیاست‌های مرتبط با تربیت شهروندی توسط گفتمان‌های سیاسی مختلف حاکم بر نظام سیاسی کشور می‌باشد، به گونه‌ای که تمامی ابعاد و رویکردهای تربیت شهروندی را به طور متوازن و متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین نیازهای جامعه در نظر بگیرند.

www.SID.ir

کتابنامه

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). «گفتمان عدالت در دولت نهم»، *فصلنامه معرفت سیاسی*. ۲(۲)، ۲۴۳-۱۹۵.

اطهری، سیدحسین و زمانی، سمیه (۱۳۹۲). «تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳٤)، ۲۰۰-۱۸۱.

اکوانی، سیدحمداله و نوروزی‌نژاد، جعفر (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران»، *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*. ۸(۲۷)، ۲۰-۳.

ایران‌منش، محمدرضا (۱۳۹٤). *مفهوم شهروندی: مفاهیم، مؤلفه‌ها، اصول، زمینه‌ها و الگوها*. تهران: نگاه معاصر.

جهانگیری، جهانگیر و فتاحی، سجاد (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری دور دهم»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. ۵(۳)، ٤۷-۲۳.

حسین‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۸). *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های جمهوری اسلامی* ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

حسینی پاکدهی، علیرضا و زردار، زرین (۱۳۹۰). «بازنمایی شهروندی در مطبوعات ایران»، *علوم اجتماعی*. ۱۸(۵۳)، ۹۵-۱۳۵.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸٦). «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*. ۳(۵)، ۹۸-٦۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*. ۲۸(۱)، ۳۹-۱.

ربانی خوراسگانی، علی و میرزایی، محمد (۱۳۹٤). «تحلیل تقابل گفتمانی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲٦(٤)، ٦۸-٤۵.

رضایی‌پور، آرزو (۱۳۸۵). *مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی*. تهران: انتشارات آریان.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *برنامه درس ملی*، جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش و وزارت آموزش و پرورش.

شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش و

www.SID.ir

وزارت آموزش و پرورش.

فالکس، کیث (۱۳۹۰). *شهروندی* (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: نشر کویر.

فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۸۱). «برنامه‌های درسی تربیت شهروندی»، *مجله پژوهش دانشگاه اصفهان*. ١٤(٢)، ٢٠٦-١٨١.

فتحی واجارگاه، کوروش و واحدچوکده، سکینه (۱۳۸۵). «شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*. ۵(۱۷)، ۱۳۲-۹۳.

فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). *تربیت شهروندی*. تهران: انتشارات آییژ.

Akhtar, Shazia (2008). "The implementation of Education for Citizenship in Scotland: recommendation of approaches for effective practice", *Improving Schools*. 11(1), 33-48.

Collado, Mariangeles Dela Caba and Atxurra, Rafael Lopez (2006). "Democratic citizenship in textbooks in Spanish primary curriculum", *Curriculum studies*. 38(2), 205-228

Fairclough, Norman (2005). *Critical Discoirse Analysis in transdisciplinary research*. In R, Wodak and P, Chilton. A New Agenda in Critical Discoirse Analysis. Amsterdam: John Benjamin Publishing Company.

Nelson, Julie and Kerr, David (2005). *Active Citizenship: Definitions, Goalsand Practices.* International review of curriculum and assessment framework.

Schiffrin, Deborah; Tannen, Deborah and Hamilton, Heidi Ehernberger (2001). *The handbook of discourse analysis*. Blackwell Press.

www.SID.ir